

علل بروز بیماری‌های همه گیر و چگونگی مواجهه با آن در عصر مماليك (حک. ۶۴۸-۹۲۳)

رضا دشتی^۱

چکیده

شیوع بیماری‌های واگیردار، از مشکلات اساسی مماليك بحری و برجی بود. این بیماری‌ها بر وضع اجتماعی و اقتصادی مصر در دوره مماليك تأثیرات مخربی داشت. مماليك بحری و برجی در برخورد با بیماری‌های همه گیر، عملکرد ویژه‌ای داشتند. بحری‌ها در مقایسه با برجی‌ها عمل‌گراتر بودند و به ساخت بیمارستان، رسیدگی به حال بیماران و پزشکان اقدام کردند؛ اما مماليك برجی بیماری‌های همه گیر را با نگاه دینی تفسیر می‌کردند و مبارزه با فساد و سختگیری بر اقلیت‌های دینی را، راهکار مقابله با این بیماری‌ها می‌دانستند. این مقاله با شیوه توصیفی-تحلیلی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که علل بروز بیماری‌های همه گیر در عصر مماليك چه بود و هر کدام از دولت‌های مماليك بحری و برجی با این بیماری‌ها به چه صورتی مواجهه کرده‌اند؟ یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شرایط مناسب اقتصادی و سیاسی مماليك بحری و عملکرد موفق آنان موجب مهار بیماری و کاهش اثرات مخرب بیماری‌های همه گیر شد اما وضع نامطلوب سیاسی و اقتصادی مماليك برجی و اقدامات نامناسب در مواجهه با بیماری‌های همه گیر، باعث تضعیف بیش از پیش حکومت مماليك برجی شده بود.

کلیدواژه‌ها: بیماری‌های واگیردار، تاریخ پزشکی اسلامی، تاریخ مصر، مماليك، همه‌گیری بیماری.

۱. استادیار گروه تاریخ تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر. Dashti.r2012@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۱۲

درآمد

ممالیک یکی از دولت‌های مهم و قدرتمند مسلمان بود که به علل و عوامل گوناگون، بیماری‌های همه‌گیر به‌ویژه وبا و طاعون در قلمروشان بروز و شیوع یافته بود. ممالیک در واقع بردگان و غلامان ترک و چرکس آسیای مرکزی و دشت قبیچاق بودند و از سال ۶۴۸ تا ۹۲۳ در مصر و شام به قدرت و حکومت رسیده بودند. دوره ممالیک شامل دو مقطع بود. دولت نخست یا ممالیک بحری که توسط مملوکان ترک در سال ۶۴۸ تأسیس و تا سال ۷۸۴ ادامه یافت (شبارو، ۲۰). دولت دوم ممالیک معروف به برجی، توسط مملوکان چرکسی در سال ۷۸۴ به وجود آمد و تا سال ۹۲۳ به طول انجامید (همان، ۹۶-۹۷).

آنچه در مورد این دو دولت مملوکی حائز اهمیت است اختلاف اسمی، نژادی یا تباری آنها نیست، بلکه کارنامه و عملکرد آن دو دولت در قبال بحران‌های پیش روی آنها بوده است. یکی از مهمترین بحران‌های اجتماعی، بهداشتی و درمانی عصر ممالیک اعم از بحری و برجی شیوع بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون بوده است. مسئله اصلی این پژوهش این است که مواجهه و عملکرد هر یک از دولت‌های مملوکی در برابر بیماری‌های همه‌گیری که بارها گریبان‌گیر دولت و رعایای آنان بود، چگونه بوده است. هر چند موضوع دولت ممالیک و تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی آنان از دیرباز تاکنون مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفته است، ولی باید گفت که از تأثیر صدمات اجتماعی و تلفات ناشی از بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون که بر رعایای دولت‌های ممالیک وارد شده، کمتر سخن به میان آمده است. روش پژوهش این مقاله توصیفی-تحلیلی مبتنی بر گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است که ضمن بررسی انگاره‌های تاریخی، وقوع بیماری‌های همه‌گیر در سرزمین‌های قلمرو حکومتی ممالیک عمدتاً مصر و شام را بررسی و سپس به تطبیق و مقایسه اقدامات دو دولت ممالیک در مبارزه و مهار بیماری‌های همه‌گیر می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت که برخی از مورخین دوره ممالیک در آثار خود گزارش‌هایی درباره بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون ارائه کرده‌اند؛ با این همه به صورت مستقل در این خصوص پژوهش‌های محدودی صورت گرفته است. برای نمونه آمین الجمیل (۱۳۳۶) نویسنده عرب در مقاله «امراض مصر و سوریا» تنها به تاریخچه‌ای بسیار مختصر و ناقص از بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون بسنده کرده و اشاره‌ای به علل و عوامل این همه‌گیری‌ها و اقدامات ممالیک در مواجهه با آنها نکرده است. عماد عنان (۲۰۱۷م) دیگر پژوهشگر عرب که در مقاله «الفناء الکبیر حین هزم العثمانيون فی المصر قبل ۲۰۰ عام»، به شیوع طاعون در مصر تحت سلطه عثمانی‌ها پرداخته، معتقد است چون ترکان عثمانی نسبت به مصریان در طبابت پیشرفته‌تر بودند موفق شدند در دوره محمد علی پاشا همه‌گیری وبا و طاعون را در مصر ریشه‌کن سازند. این پژوهشگر عرب اشاره‌ای به نقش و اقدامات ممالیک در مواجهه با وبا و طاعون نکرده است. فرانک ام اسنودن (۲۰۱۹م)، در کتاب جدید خود با عنوان «پیدمی و جامعه: از مرگ سیاه (طاعون) تا به امروز»^۱ با اشاره کلی به شیوع بیماری طاعون در حوزه مدیترانه، در مواردی به دلایل شیوع بیماری و نقش آن در شکل‌گیری سیاست‌های جدید و چگونگی در هم شکستن تبعیض نژادی و اقتصادی در حوزه دریای مدیترانه پرداخته است. نوکت وارلیک^۲ (۲۰۱۷م) نویسنده ترک تبار، در کتاب خود تحت عنوان شیوع طاعون در مدیترانه اسلامی،^۳ به گسترش طاعون و سایر بیماری‌های همه‌گیر در دوره امپراطوری عثمانی پرداخته و نگرش‌ها و واکنش‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به مقوله بیماری واگیر طاعون را بررسی کرده است. او فقط اشاره‌ای مختصر به شیوع این بیماری در مصر دوره عثمانی کرده است. از نویسندگان ایرانی محمدعلی پرغو و جوادعلی پورسیلاب (۱۳۹۶ش) در مقاله «طاعون

علل بروز بیماری‌های همه‌گیر و چگونگی مواجهه با آن در عصر ممالیک (حک. ۶۴۸-۹۳۳)



1. Epidemics and Society: From the Black Death to the Present .
2. Nukhet Varlik
3. Plague and Contagion in the Islamic Mediterranean.

در ایران عصر صفوی^۱ صرفاً به بررسی نظام طبی ایران در عصر صفوی در مواجهه با بیماری طاعون و انواع معالجات ترکیبی آن پرداخته‌اند. اکبر میرصالحیان و مصیب دالوند (۱۳۹۷ش) در مقاله‌ای با عنوان «تاریخچه بیماری‌های عفونی باکتریایی شایع در ایران» به نقش بی‌بدیل دانشمندان ایرانی در شناسایی، درمان و کنترل بیماری‌های همه گیر عفونی اشاره کرده‌اند.

هیچ کدام از این پژوهش‌ها به طور خاص به موضوع بیماری‌های همه‌گیر در دوره ممالیک نپرداخته‌اند. تاکنون هیچ پژوهشی با عنوان بررسی علل و عوامل بروز و شیوع بیماری‌های همه‌گیر در عصر ممالیک و اقدامات ممالیک بحری و برجی در مواجهه با آن، نوشته نشده‌است. لازم به توضیح است که منظور از همه‌گیری^۲ یا اپیدمی، بروز بیش از حد یک بیماری یا عارضه در جمعیتی معین است. به تعبیری دیگر منظور از همه‌گیری، سرایت سریع بیماری‌های عفونی به تعداد زیادی از افراد در یک جمعیت خاص در یک دوره زمانی کوتاه، معمولاً دو هفته یا کمتر است (فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، ۲۱۱). تمدن بشری بارها بیماری‌های همه‌گیر و عالم‌گیر را تجربه کرده است. چنانکه طاعون، آبله، وبا، جذام، انواع آنفولانزا، ایدز و در سال‌های اخیر نیز بیماری همه‌گیر کرونا جوامع بشری را درگیر کرده است.

علل بروز و گسترش بیماری‌های همه‌گیر در دوره ممالیک

دولت ممالیک در سال ۶۴۸ توسط مملوکان ترک تبار ملقب به ممالیک بحری در قلمرو وسیعی از جهان اسلام یعنی مصر، شام و حجاز تأسیس شد. در ادامه حاکمیت آنان در سال ۷۸۴ برجی‌ها توسط مملوکان چرکسی روی کار آمدند و تا سال ۹۲۳ حاکمیتشان ادامه یافت (شبارو، ۲۰، ۹۷-۹۶). در این پژوهش مجموع اقدامات و تلاش‌های ممالیک در مواجهه، مبارزه و مهار بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون مورد بررسی قرار گرفته است. مورخان و منابع تاریخی عصر مملوکی شیوع مکرر بیماری‌های همه‌گیر و واگیردار به ویژه وبا و طاعون را در طی حکومت آنان ناشی از

1. History of Bacterial Infection Diseases in Iran.
2. pandemic

علل و عوامل مختلفی دانسته‌اند. از مهمترین علل و عوامل بروز این بیماری‌ها در دوره ممالیک اعم از بحری و برجی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- هرج و مرج سیاسی و بهم‌ریختگی منطقه غرب آسیا؛ در سال ۶۵۶ متعاقب با حمله مغول به بغداد، هرج و مرج سیاسی منطقه غرب آسیا را در بر گرفت و سیل مهاجرانی که از پیش روی مغولان به سوی ممالیک در شام و مصر می‌گریختند و در آنجا پناهنده می‌شدند. همچنین درگیری بقایای حکومت ایوبی در شام با حکومت جدید تأسیس ممالیک، باعث شد تا ابتدا قحطی، آشوب و ناآرامی سرزمین شام را فرا گیرد و مدتی بعد بیماری وبا در سرزمین شام پدیدار و همه‌گیر شود. بیماری وبا ابتدا دمشق را فرا گرفت و سپس تمام سرزمین شام را درنوردید. به دنبال آن بیماری طاعون هم شیوع پیدا کرد به گونه‌ای که از کثرت درگذشتگان، مردم موفق به غسل و تدفین اموات نمی‌شدند (عینی، ۱۷۶/۱، ۱۸۳، ۱۹۸). پس از آن دامنه شیوع وبا و طاعون گسترش یافت و در قلمرو ممالیک همه‌گیر شد. بیماری از شام به مصر سرایت کرد و گروه کثیری از مردم مصر را به کام مرگ فرو برد به حدی که در قاهره امکان برگزاری نماز میت برای درگذشتگان وجود نداشت (همان، ۱۸۷/۱-۱۸۸).

- کاهش آب رودخانه نیل؛ رودخانه بزرگ نیل و میزان حجم آب آن از دیرباز تا کنون نقش بسیار مهمی در حیات اقتصادی و اجتماعی مردم مصر داشت. کاهش آب نیل وضع اقتصادی و اجتماعی مردم مصر که حتی برای آب آشامیدنی خود به آب نیل وابسته بوده‌اند را به مخاطره می‌انداخت تا جایی که منابع هم‌عصر ممالیک شیوع مکرر بیماری وبا در مصر را از پیامدهای کاهش آب رود نیل دانسته‌اند (ابن تغری بردی، ۲۴۳/۸؛ مقریزی، السلوک، ۴۳۱/۲).

به گزارش منابع، در سال ۶۹۴ بار دیگر به دنبال کاهش آب رودخانه نیل، قحطی شدید و گرسنگی مردم مصر که عمده‌تأ کشاورزان بودند را به دنبال داشت. از تبعات آن هم مرگ و میر ناشی از گرسنگی، بروز و شیوع بیماری وبا بود. در قاهره و تمام سرزمین مصر روزانه هزاران نفر بر اثر بیماری می‌مردند به گونه‌ای که روستاهای مصر خالی از سکنه و متروکه شدند. منابع تاریخی تعداد درگذشتگان قاهره را حدود بیست

هزار نفر نوشته‌اند (عینی، ۳/ ۲۷۵-۲۷۶؛ مقریزی، السلوک، ۲/ ۲۶۱؛ سیوطی، حسن المحاضر، ۲/ ۲۹۷-۲۹۸؛ ابن الوردی، ۲/ ۲۳۳، ۳۳۳؛ ابن ایاس، ۱/ ۳۸۹-۳۹۰، ابن ایاس این بیماری را طاعون ذکر کرده است). مقریزی گزارش کرده است در سال ۷۰۹ مجدداً به دلیل کاهش آب رودخانه نیل قحطی و گرسنگی زیاد و قیمت مواد غذایی گران شد. متعاقب آن بیماری‌های شدیدی از جمله وبا در میان مردم مصر شیوع یافت و البته مرگ و میر ناشی از این شیوع بیماری به شدت و زیادی ادوار گذشته نبوده است (مقریزی، السلوک، ۲/ ۴۳۱؛ ابن تغری بردی، ۸/ ۲۴۳). در سال ۷۷۶ نیز در نتیجه کاهش آب رودخانه نیل، قحطی در مصر بروز کرد و به دنبال آن بیماری وبا شیوع یافت. وبا هر روز تعداد دویست فوتی و پانصد نفر بیمار بستری برجای می گذاشت (سیوطی، حسن المحاضر، ۲/ ۳۰۵؛ مقریزی، السلوک، ۴/ ۳۷۴).

- تغییرات جوی؛ منابع عصر مملوکی در برخی موارد تغییرات جوی را از علت‌های پیدایش و شیوع بیماری‌های همه گیر دانسته‌اند. در سال ۷۱۶ که پس از یک تغییر وضعیت جوی شیوع بیماری وبا در مصر اتفاق افتاد؛ مقریزی می نویسد: نخست باد سیاهی شروع به وزیدن کرد و به دنبال آن باران باریدن گرفت و متعاقب آن شیوع بیماری وبا در مناطق اسوان، إسنا و أرمنت مصر اتفاق افتاد و مردم زیادی را به هلاکت انداخت. سپس وبا به منطقه أشمونین مصر (هرموبولس شرقی) گسترش یافت (مقریزی، السلوک، ۲/ ۵۱۶؛ عبده قاسم، النيل و المجتمع المصری، ۱۳۰).

- تردد تجار، ملوانان و کشتی‌های تجاری در بنادر مصر، شام و حجاز؛ ممالیک در طی دوران نزدیک به سه قرن حاکمیت خود، بر بخش‌ها و گذرگاه‌های تجاری سه قاره مهم آسیا، اروپا و آفریقا تسلط داشتند. بحری‌ها با تسلط کامل بر سواحل مصر و شام در دریا‌های مدیترانه و دریای سرخ، توجه کامل خود را به مسیر تجارت دریا‌های هند، سرخ و اروپا، معطوف داشتند (شبارو، ۱۵۴؛ عاشور، ۴۳). ممالیک همه تجار، بازرگانان و ملوانان اعم از داخلی و خارجی را به فعالیت در این مسیر و استقرار در بنادر قلمرو ممالیک تشویق می کردند چرا که تجارت مهمترین منبع درآمد دولت ممالیک بحری بود. این سیاست ضمن تأمین کالاهای مصرفی، مقدار قابل توجهی طلا و نقره نیز وارد

سرزمین مماليك می‌کرد که در ضرب مسکوکات طلا، نقره مورد استفاده قرار می‌گرفت (همان، ۴۱). تردد تجار، ملوانان و کشتی‌های تجاری ملل مختلف در بنادر و سواحل مصر، شام و حجاز، در بسیاری از موارد باعث انتقال بیماری‌های واگیرداری چون وبا و طاعون بوده‌است. بیماری ابتدا در بنادر و سواحل آغاز و از آنجا به سایر مناطق سرایت می‌کرد. از جمله در سال ۷۸۲ بیماری وبا صرفاً در بندر اسکندریه مصر گزارش شده‌است (ابن حجر، *أنباء الغمر*، ۲۱۹/۱). ولی در سال بعد یعنی سال ۷۸۳ طاعون به شهر قاهره پایتخت دولت مماليك گسترش یافت و بالغ بر سیصد تن در قاهره بر اثر این بیماری تلف شدند (سیوطی، *حسن المحاضر*، ۳۰۶/۲؛ مقریزی، *السلوک*، ۱۰۱/۵). در سال ۷۸۸ نیز وبا در اسکندریه گزارش شده‌است (ابن حجر، *أنباء الغمر*، ۴۸۶/۱). دلیل اصلی شیوع مکرر وبا و همچنین آغاز شیوع چندین دفعه‌ای طاعون از شهر اسکندریه موقعیت بندری این شهر و تردد کشتی‌های ملل مختلف حوزه دریای مدیترانه و سواحل و جزایر آن به این شهر و همچنین ورود کاروان‌های مختلف تجاری زمینی به این شهر بوده‌است.

تجارت دریایی در دوره مماليك برجی رونق گذشته را نداشت، ولی تردد کشتی‌های تجاری، تجار و ملوانان ملل مختلف در بنادر و سواحل مدیترانه و دریای سرخ در بسیاری از موارد باعث همه‌گیری بیماری‌های واگیرداری چون وبا و طاعون می‌شد. بیماری‌های همه‌گیر بارها در بنادر و سواحل قلمرو مماليك برجی گزارش شده‌است. از جمله در سال ۷۹۵ وقوع و شیوع وبا در شهر بندری اسکندریه مصر گزارش شده‌است (ابن حجر، *أنباء الغمر*، ۴۳۷/۱). همچنین در سال ۷۹۷ شیوع وبا در بندر اسکندریه و سایر بنادر باعث رکود اقتصادی شد (مقریزی، *السلوک*، ۳۶۷/۵). در سال ۸۰۰ نیز وبا ابتدا در کرانه‌ها و مناطق ساحلی مصر پدیدار شد و پس از آن به قاهره و سایر مناطق داخلی مصر سرایت کرد (مقریزی، *السلوک*، ۴۱۰/۵؛ ابن حجر، *أنباء الغمر*، ۸/۲). بیماری همه‌گیر طاعون نیز در سال ۹۱۸ در بنادر اسکندریه، رشید و سایر مناطق ساحلی مصر و سواحل و کرانه‌های شام شیوع یافت؛ البته گزارشی از آمار تلفات آن ارائه نشده‌است (ابن ایاس، ۲۹۵/۴).

- سرایت بیمارهای واگیردار از حیوانات به انسان‌ها؛ در برخی از موارد در قلمرو ممالیک برجی بیماری‌های مسری و مشترک بین دام‌ها و انسان‌ها باعث همه‌گیری گسترده شده‌است و متعاقب آن بیماری‌هایی مانند وبا که از طریق آب و مواد غذایی آلوده به انسان‌ها سرایت می‌کند، شدت یافته است. از جمله در سال ۷۹۴ نوعی بیماری مسری از گاو‌ها به مردم قلمرو ممالیک به‌ویژه در مصر سرایت کرد و سپس وبا هم شیوع یافت و تمام مصر را درنوردید و تعداد بسیاری از مردم و چهارپایان و به‌ویژه گاو‌ها را هلاک کرد (سیوطی، حسن المحاضره، ۳۰۶/۲؛ مقریزی، السلوک، ۳۲۵/۵).

- همه‌گیری‌های جهانی و منطقه‌ای؛ در برخی از سال‌ها شیوع بیماری‌های عفونی و واگیردار منحصر به مصر یا قلمرو ممالیک نبود. گاهی گسترش بیماری در قلمرو ممالیک ناشی از همه‌گیری جهانی بیماری بود. از جمله باید به شدیدترین همه‌گیری جهانی وبا و طاعون اشاره کرد که مربوط به سال ۷۴۹ برابر با ۱۳۴۸م بود که قلمرو ممالیک نیز از آن متأثر شده بود. این واقعه در خاورمیانه اسلامی به «مرگ بزرگ» (الفناء الکبیر) یا «وبا سیاه» و در اروپا به نام «مرگ سیاه»^۱ و طاعون سیاه معروف شد و جمعیت بسیاری از مردمان جهان آن روز را به نابودی و مرگ کشاند (مقریزی، السلوک، ۷۸/۴-۹۰؛ سیوطی، حسن المحاضره، ۳۰۳/۲؛ عینی، ۶/۷۴۹ق؛ ابن تغری بردی، ۲۰۴/۱۰-۲۰۹؛ مقریزی، المواعظ والاعتبار، ۳۲۱/۲). در سال ۷۴۱ برابر با ۱۳۴۰م مردم اروپا اخبار عجیبی از بیماریی که جهان اسلام را به تاراج برده بود می‌شنیدند. چیزی نگذشت که طاعون در سیسیل ظاهر شد و از آنجا به سراسر ایتالیا و سپس اواخر سال ۷۴۹ برابر با ۱۳۴۸م بیماری به انگلستان رسید. در لندن روزانه دویست نفر می‌مردند. تقریباً تمام اروپا نرخ مرگ و میری بین یک سوم تا نیمی از جمعیت را متحمل شد و ایتالیا شصت درصد مردمش را از دست داد (Q&A, web.archive.org. 16-2-2012). بیماری وبا و متعاقب آن بیماری طاعون کل جهان شناخته شده آن روز را درنوردید. بیماری در غرب آسیا و مصر نیز شیوع پیدا کرد. بیماری در قاهره و سایر مناطق مصر هزاران نفر را از پای در آورد. بیشتر مشاغل تعطیل و نابود شدند و کار بیشتر مردم رسیدگی به مردگان

1. Black Death

و در صورت امکان کفن و دفن آنها بود چرا که به دلیل زیادی اموات، امکان دفن همه آنان میسر نبود و بسیاری از اجساد یا در کوچه و معابر رها می‌شدند و یا در برخی از مناطق جهان، آنان را در گورهای دسته جمعی دفن می‌کردند (مقریزی، السلوک، ۷۸/۴-۹۰؛ ابن تغری بردی، ۲۰۴/۱۰-۲۰۹).

در عصر مماليك برجی نیز مانند دوره بحری، مصر چندین مرتبه درگیر شیوع جهانی بیماری‌های مسری وبا و طاعون شد. از جمله در سال ۸۱۰ انتشار گسترده بیماری طاعون در تمام سرزمین مصر گزارش شده‌است (سیوطی، حسن المحاضره، ۳۰۸/۲). این همه‌گیری طاعون ادامه‌دار شد و نه تنها کل مصر را در سال‌های ۸۱۲-۸۱۳ در بر گرفت بلکه ابعاد منطقه‌ای یافت و به سایر سرزمین‌های قلمرو مماليك یعنی سرزمین شام و شهرهای حماه، طرابلس و سایر مناطق غرب آسیا سرایت کرد و باعث هلاکت جمعیت زیادی خصوصاً از رعایای قلمرو مماليك در مصر و شام شد (ابن حجر، انباء الغمر، ۵۶/۳؛ ابن تغری بردی، ۱۷۸/۱۳). مورخین شیوع طاعون در سال‌های ۸۱۶ و ۸۲۲ را دارای ابعاد بسیار وسیع دانسته‌اند به نحوی که بیماری از مرزهای منطقه‌ای عبور کرده و در گستره جهانی از شرق تا غرب عالم را در بر گرفته‌است (سیوطی، حسن المحاضره، ۳۰۸/۲؛ ابن حجر، انباء الغمر، ۱۹۱/۴؛ ابن تغری بردی، ۱۵۷/۱۴). در سال ۸۳۳ برابر با ۱۴۲۹م، یک همه‌گیری جهانی منطقه غرب آسیا، شمال آفریقا و اروپا را در بر گرفت. در مصر بیماری از قاهره آغاز شد و به سرزمین‌های ساحلی دریای مدیترانه سرایت کرد. هم‌زمان طاعون وحشتناکی نیز در سراسر قلمرو حاکمیتی مماليك از مصر تا شام و حجاز شیوع یافت و روزانه هزاران نفر را به کام مرگ کشاند. این همه‌گیری طاعون نیز به فناء کبیر (مرگ بزرگ) مشهور شده‌است. ابن تغری بردی می‌نویسد بر اثر این طاعون شدید و بیماری وبا بسیاری از روستاها و شهرها خالی از سکنه شدند، این بیماری از سرزمین‌های اسلامی به سرزمین‌های رومی و اروپا نیز سرایت کرد و انسان‌های زیادی را به کام مرگ کشاند (ابن تغری بردی، ۳۳۷/۱۴-۳۴۰؛ ابن حجر، انباء الغمر، ۴۳۸/۳؛ سیوطی، حسن المحاضره، ۳۰۹/۲). در سال ۹۱۹ نیز بیماری طاعون، همه‌گیری منطقه‌ای در غرب و جنوب غربی آسیا داشته‌است. این

بیماری هم در مناطق داخلی سرزمین مصر شیوع یافت و در شامات به‌ویژه ناحیه فلسطین نیز که جزو قلمرو ممالیک بود با شدت بیشتری گسترش یافت (ابن ایاس، ۴/ ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۵۷).

موفقیت‌های نسبی ممالیک بحری در مهار همه‌گیری بیماری‌ها

ممالیک بحری در طی ۱۳۶ سال حکومت خود بر مصر، شام و حجاز، در مهار بحران‌های اجتماعی، بهداشتی و درمانی اقدامات مهمی انجام دادند. این اقدامات تا حد زیادی در مبارزه و مهار بیماری‌های همه‌گیر مؤثر واقع شد. به نظر می‌رسد توان اقتصادی بالا و ثبات سیاسی علت اصلی موفقیت آنان بوده‌است. ممالیک بحری با تسط کامل بر سواحل مصر و شام در دریا‌های مدیترانه و سرخ، توجه کامل خود را به مسیر تجاری دریا‌های هند و سرخ و از آنجا به اروپا، معطوف داشتند. آنان با وضع قوانین، تجارت را ساماندهی و با ارائه تسهیلات خاص به همه تجار و بازرگانان، آنان را به فعالیت در مسیرهای تجاری تشویق کردند. لذا تجارت مهمترین منبع درآمد دولت ممالیک بحری بود. ممالیک ضمن تأمین و ترانزیت کالاهای مصرفی اروپا، به تقویت بنیه اقتصادی خود می‌پرداختند. از این‌رو قدرت بالای اقتصادی در عصر ممالیک بحری یکی از علل و عوامل اصلی و تأثیرگذار بر نظام اجتماعی، بهداشتی، درمانی و مبارزه و مهار بیماری‌ها و صدمات اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن بوده‌است. همچنین ثبات سیاسی در مصر و سایر سرزمین‌های قلمرو ممالیک بحری ناشی از احیاء خلافت عباسی و کسب مشروعیت سیاسی - مذهبی از جانب آنان (مقریزی، السلوک، ۵۳۱/۱ - ۵۳۲؛ سیوطی، تاریخ الخلفاء، ۳۵۰)، پیروزی بر مغولان در نبرد عین جالوت (ابن خلدون، ۵۶۸/۴؛ ابوالفداء، ۲۰۵/۳؛ مقریزی، السلوک، ۵۱۶/۱ - ۵۱۷) و اخراج صلیبیان از سرزمین‌های اسلامی شرق مدیترانه (ابوالفداء، ۲۴/۴ - ۲۵؛ ناصری طاهری، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ۱۱۷)، در مجموع موجب عملکرد موفق ممالیک بحری در مواجهه با بحران‌های اجتماعی، بهداشتی و درمانی عصرشان به‌ویژه بیماری‌های همه‌گیر و کاهش اثرات مخرب آن شد. از مهمترین اقدامات عملی و مهم ممالیک بحری برای

مبارزه و مهار بیماری‌های همه‌گیر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مهمترین اقدام مماليک بحری در مواجهه با بیماری‌های همه‌گیر، نهضت بیمارستان‌سازی در کل قلمرو حکومت مماليک بحری از شام و مصر گرفته تا حجاز بود. این امر گواه توان بالای اقتصادی مماليک بحری بوده‌است. مماليک بحری که در جهت مبارزه و مهار بیماری‌های همه‌گیر به طب و علوم پزشکی اهمیت می‌دادند، بیمارستان‌های بزرگ و زیبایی در سراسر قلمرو خود ساختند (حتی، ۸۶۴). نخستین بیمارستان عصر مماليک بیمارستان القیمری یا صالحیه بود که در منطقه صالحیه دمشق ساخته شد. این بیمارستان دارای بخش ویژه مبتلایان به وبا بود و یکی از سه بیمارستان معروف، بزرگ و مجهز در تاریخ دمشق بوده‌است (زیاده، ۹۳؛ عیسی بیک، ۲۳۵). بزرگترین و مهمترین بیمارستان عصر مماليک، بیمارستان منصوری قاهره بود که نه تنها در جهان اسلام بلکه در کل جهان در عصر قرون وسطی کم نظیر و شاید بی‌نظیر بوده‌است. این بیمارستان را ملک منصور قلاوون (حک. ۶۷۸-۶۸۹) در سال ۶۸۳ تأسیس کرد. برای ساخت این بیمارستان نه تنها کارگران و هنرمندان بسیاری فعالیت داشتند بلکه خود سلطان نیز در کار بنایی بیمارستان شرکت کرد (مقریزی، *المواعظ و الاعتبار*، ۲۶۸/۴-۲۷۲). وصف عظمت و شکوه این بیمارستان عظیم در منابع مختلف عصر مماليک به‌ویژه در *سفرنامه ابن جبیر* آمده است (ابن جبیر، ۸۴-۸۵؛ زکی، ۲۰۱). بیمارستان منصوری مصر دارای تشکیلات اداری، پزشکان و کارکنان فراوانی بود (دشتی، «بررسی ساختار و تشکیلات»، ۸۱). یکی از بخش‌های مهم این بیمارستان بخش بیماری‌های عفونی همه‌گیر بود (عیسی بک، ۸۷). بیمارستان امیرتنکز در شهر شیعی صفد در منطقه فلسطین نیز در زمان سلطنت محمد بن قلاوون در بین سال‌های ۷۱۲ تا ۷۲۰ ساخته شده‌است (ابن حجر، *الدرر الکامنه*، ۶۷/۲؛ حسینی عثمانی، ۱۸۹). از دیگر بیمارستان‌های ساخته شده در دوره مماليک بحری در منطقه فلسطین می‌توان از بیمارستان‌های رمله، نابلس و به‌ویژه بیمارستان غزه که در دوره سلطنت صالح عمادالدین اسماعیل (حک. ۷۴۳-۷۴۶)، توسط سنجر جاولی نائب الحکومه غزه ساخته شد، نام برد (عیسی بک، ۲۷۴ و ۲۶۰).

بیمارستان کرک نیز در این دوره توسط امیر سنجر جاولی در زمان سلطنت محمدبن قلاوون ساخته شد (همان، ۲۴۷-۲۴۸)، از دیگر بیمارستان‌های دوره مماليک بحری می‌توان از بیمارستان‌های حصن الاکراد (ساخته شده در سال ۷۱۹) (همان، ۲۴۸)، بیمارستان ارغون الکاملی یا بیمارستان جدید حلب (ساخته شده در سال ۷۵۵) (همان، ۲۵۲) و بیمارستان الدقانی دمشق (ساخته شده در سال ۷۶۴) (همان، ۲۵۹) و بیمارستان مدینه النبی (ساخته شده در سال ۶۶۳) (حسینی عثمانی، ۹۹؛ عیسی بک، ۲۶۵) در زمان سلطان ظاهر بیبرس (حک. ۶۵۸-۶۷۸)، نام برد.

- از دیگر اقدامات بحری‌ها رسیدگی عملی و مناسب به احوال بیماران بود. ابن جبیر می‌نویسد در بیمارستان منصوری پرستاران در برابر بیماران به خدمت ایستاده‌اند و رسیدگی به احوال بیماران را صبح و شام بر عهده دارند و خوراک و آشامیدنی مناسب حال ایشان را به آنان ارائه می‌کنند (ابن جبیر، ۸۴-۸۵).

- توزیع غذا و داروی رایگان در بین مردم به‌ویژه فقرا و مستمندان در زمان شیوع بیماری‌های همه‌گیر از دیگر اقدامات مماليک بحری بود. در عصر مماليک بحری بیشتر سلاطین در زمان بحران، انبارهای سلطانی را گشوده، غلات و نان و دارو را میان نیازمندان تقسیم می‌کردند و حتی بازرگانان و ثروتمندان نیز موظف بودند فقیران را اطعام کنند (مقریزی، السلوک، ۲/۲۶۱؛ همو، المواعظ و الاعتبار، ۴/۲۶۹-۲۷۰؛ عینی، ۳/۲۷۵-۲۷۶؛ سیوطی، حسن المحاضر، ۲/۲۹۷-۲۹۸؛ ابن الوردی، ۲/۲۳۳؛ ابن ایاس، ۱/۳۸۹-۳۹۰). سلطان بیبرس در شیوع بیماری در سال ۶۶۲ و امیر منجیک نائب السلطان در شیوع بیماری سال ۷۶۶ نیز همین گونه اقدام کرده بودند (عبده قاسم، عصر سلاطین مماليک، ۱۷۵).

- ساخت تأسیسات آبرسانی و نظارت بر آب آشامیدنی مردم از دیگر اقدامات بحری‌ها بود. یکی از مهمترین علل شیوع بیماری همه‌گیر وبا، عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم است. در عصر مماليک آب آشامیدنی بیشتر مردم مصر از رود نیل و توسط سقّایانی که دارای مجوز دولتی تهیه و فروش آب بودند تأمین می‌شد. محتسب بر کار سقّایان نظارت داشت تا نظافت را رعایت کرده و آب نیل را با آب چاه‌های در

دست‌ریشان مخلوط نکنند (همان، ۱۴۷). الناصر محمد (حک. در سه مرحله ۷۴۲-۶۹۲) در قاهره و شهرهای مقدس مکه، مدینه و بیت المقدس سیستم آبرسانی ایجاد کرده بود (Rogers, 58).

- رسیدگی و توجه به وضعیت طبیبان و پرداخت منظم مستمری و حقوق طبیبان و کارکنان بیمارستان‌ها از دیگر اقدامات مؤثر دولت مماليك بحری در مهار بیماری‌های همه‌گیر بوده است (مقریزی، *المواعظ والاعتبار*، ۲۶۹/۴-۲۷۰). این رفتار مناسب همراه با احترام باعث شد تا در عصر مماليك بحری، پزشکان بزرگ و حاذقی از سراسر عالم اسلامی و سرزمین‌های غیر اسلامی در قاهره و سایر شهرهای قلمرو مماليك جمع شده و به مماليك و رعایای آنان خدمت کنند (زکی، ۱۹۹-۲۰۱). تمام اقدامات فوق به سبب بنیه قوی اقتصادی مماليك بحری صورت گرفته بود. توان بالای اقتصادی ناشی از تجارت بین المللی، دست سلاطین مماليك بحری را در انجام اقدامات بهداشتی- درمانی ارزشمند، باز گذاشت و آنان با اقدامات خود توانستند در مبارزه و مهار بیماری‌های همه‌گیر به‌ویژه وبا و طاعون، موفق عمل کنند. در نهایت این اقدامات به کاهش آلام رعایا و دیرپایی حکومتشان انجامید.

ناکارآمدی مماليك برجی در برابر همه‌گیری بیماری‌ها

دولت مماليك برجی در سال ۷۸۴، توسط مملوکان چرکسی و بلافاصله پس از سقوط مماليك بحری بوجود آمد. برجی‌ها تا سال ۹۲۳ در همان قلمرو مماليك بحری به حاکمیت خود ادامه دادند (شبارو، ۹۶-۹۷). آنچه در مورد دولت مماليك برجی در این نوشتار حائز اهمیت است کارنامه و عملکرد نه چندان مطلوب آنان، برای مقابله با بحران‌های ناشی از شیوع بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون است.

سلاطین برجی عموماً خودشان را ملزم به مداخله در امر آموزش عمومی، رعایت بهداشت عمومی و نظارت بر امور تغذیه و درمان مردم و رعایای خود نمی‌دانستند و مداخله و نظارت بر این گونه امور را جزو وظایف اوقاف و امورخیریه می‌دانستند (عبده قاسم، *عصر سلاطین مماليك*، ۱۴۵، ۱۳۴)، لذا برجی‌ها در مواجهه با بیماری‌های

همه گیر و واگیردار، اقدام عملی مناسب و ماندگاری در حوزه بهداشت و درمان در کارنامه خود ثبت نکردند و نتوانستند موفقیت‌های ممالیک بحری را در مبارزه با بیماری‌های همه گیر و سایر خدمات بهداشتی درمانی، ادامه دهند. به نظر می‌رسد عوامل مهمی مانند ناتوانی اقتصادی و بحران‌های مالی و همچنین ضعف سیاسی از مهمترین علل ناکارآمدی برجی‌ها در مواجهه با بحران‌های بهداشتی و درمانی به‌ویژه در مواجهه با بیماری‌های همه گیر بوده است. در بُعد اقتصادی رکود تجارت، ناشی از کشف دماغه امید نیک توسط اروپاییان و از بین رفتن نقش واسطه‌گری ممالیک برجی در تجارت آسیا با اروپا، دلیل اصلی ورشکستگی و ضعف بنیه اقتصادی آنان بود به نحوی که ممالیک برجی به شدت درگیر بحران‌های اقتصادی و مالی و کاهش ارزش پول ملی شدند (ناصری طاهری، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی، ۱۸۶-۱۸۳). این عوامل باعث ضعف و کم کاری ممالیک برجی در حوزه بهداشت و درمان شد. در بعد سیاسی نیز ممالیک برجی نتوانستند موفقیت‌های درخشان سلف‌شان را ادامه دهند و در مقابل تیمور لنگ شکست خوردند و سوریه برای مدتی توسط او اشغال و تاراج شد (ابن تغری بردی، ۲۴۱/۱۲، ۲۴۶؛ ابن ایاس، ۳۳۲/۱، ۳۳۵). پس از آن، درگیری‌های خونین بین امیران مملوکی باعث ضعف دو چندان ساختار سیاسی ممالیک برجی شد (شبارو، ۱۰۶). همچنین دخالت ممالیک برجی در امور داخلی دولت عثمانی باعث بوجود آمدن یک سلسله جنگ‌هایی متوالی بین ممالیک و عثمانی شد که در نهایت این جنگ‌ها به ضعف سیاسی و نظامی ممالیک منجر شد (عبادی و دیگران، ۵۲-۴۹). مهمترین فاجعه‌بارترین پیامد سیاسی - نظامی درگیری با دولت عثمانی، انقراض ممالیک توسط امپراطوری عثمانی در سال ۹۲۳ بود. تنها موفقیت سیاسی - نظامی قابل ذکر در عصر برجی‌ها، تصرف جزیره قبرس در زمان سلطان برسبای بود (شبارو، ۱۶۲، ۱۰۷).

مورخان و منابع تاریخی عصر مملوکی شیوع مکرر بیماری‌های همه گیر و واگیردار را در طی حکومت ممالیک برجی ناشی از علل و عوامل مختلفی دانسته‌اند که از مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عدم ساخت بیمارستان و مراکز بهداشتی درمانی جدید و بی‌توجهی نسبت به

بیمارستان‌های موجود؛ سلاطین برجی به‌رغم ورشکستگی اقتصادی و شیوع بیماری‌های وبا و طاعون در عصرشان، بناهای معماری فراوانی برای خود ساختند. آنها فقط در قاهره ۱۳۳ بنای معماری ساختند (بلر و بلوم، ۲۱۶)؛ ولی هیچ بیمارستان جدیدی در دوره ۱۳۹ ساله حکومتشان نساختند (همان، ۲۱۶-۲۳۲). مماليک برجی به دلیل ضعف بنیان اقتصادی و همچنین به دلیل وجود بیمارستان‌های به جای مانده از دوره مماليک بحری، احساس نیاز به ساخت بیمارستان‌های جدید نمی‌کردند. در عصر برجی‌ها نه تنها هیچ بیمارستان جدیدی ساخته نشد، بلکه اداره امور بیمارستان‌های از پیش ساخته شده نیز، در دوره آنان با اختلال مواجه شده بود.

- اقدامات فرهنگی مذهبی در مواجهه با بیماری‌ها توسط مماليک برجی؛ اقدامات مماليک برجی در مواجهه با بیماری‌های همه‌گیر بیشتر در بُعد فرهنگی - مذهبی، آن هم اقداماتی که مستقیماً با بهداشت و درمان و مبارزه با این همه‌گیری بی‌ارتباط و کاملاً مقطعی بود، قابل بررسی است (دشتی، «تأثیر بیماری‌های همه‌گیر»، ۱۱۰). مماليک برجی اصولاً شیوع بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون را با نگاهی دینی و اخلاقی، تفسیر می‌کردند و علل و عوامل آن را خشم خداوند و انحطاط اخلاقی و گسترش فسق و فجور می‌دانستند (عبده قاسم، عصر سلاطین مماليک، ۱۷۴؛ ناصری طاهری، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی/اجتماعی، ۱۷۶). این دیدگاه موجب شد تا دولت مماليک برای جلوگیری از شیوع بیماری و کاهش اثرات مخرب آن، هم زمان دو اقدام انجام دهد: اول برخورد با عوامل فساد اخلاقی برای جلوگیری از شیوع بیماری و دوم برنامه‌ریزی برای برپایی مراسم‌های مذهبی و درخواست از مردم برای برگزاری عبادات عمومی جهت کاهش اثرات مخرب بیماری‌های همه‌گیر (عبده قاسم، عصر سلاطین مماليک، ۱۷۸-۱۷۹).

ابن صیرفی مورخ معاصر مماليک برجی می‌نویسد: هنگام شیوع بیماری طاعون در سال ۸۴۱ سلطان برسبای (حک. ۸۲۵-۸۴۱) مجلسی از علماء تشکیل داد و از آنها در مورد رابطه گناه و بیماری طاعون پرسید. آنان ارتباط طاعون با زنا و فساد را تأیید کرده و برای مقابله با آن از سلطان خواستند تا از تردد زنان در معابر و بازارها مانعت کند (ابن صیرفی، ۴۰۴/۳-۴۰۵). این قبیل رفتارها در عصر مماليک برجی قبل و بعد از

سلطان برسبای نیز وجود داشت، چرا که حاجی بن شعبان (حک. ۷۹۰-۷۹۱) در جریبان همه‌گیری بیماری سال ۷۹۰ (همان، ۱۶۸/۱) و قانصو غوری (حک. ۹۰۷-۹۲۲) در همه‌گیری طاعون سال ۹۱۰ (ابن‌ایاس، ۷۷/۴) و سال ۹۱۹ (همان، ۳۰۳/۴) اقداماتی مشابه برسبای انجام دادند (دشتی، «تأثیر بیماری‌های همه‌گیر»، ۱۱۰).

کارگزاران مملوکی در سال ۸۴۱ به مأموران دولتی دستور دادند تا با حمله به منازل یهودیان و مسیحیان، ظروف محتوی مشروبات و مسکرات آنان را امحاء کنند (ابن‌صیرفی، ۴۰۶/۳). عبده قاسم مورخ معاصر مصری معتقد است که این سیاست‌های نظارتی و هدایتی مالیکی و سخت‌گیری‌ها، صرفاً در زمان بحران‌ها و بیماری‌ها بود و چون اوضاع آرام می‌شد، مراقبت‌های اجتماعی و فرهنگی هم خود به خود سست می‌شد (عبده قاسم، عصر سلاطین مالیکی، ۱۸۰).

- در عصر برجی‌ها در زمان بروز و شیوع بیماری‌های همه‌گیر برخی از سلاطین از ترس گرفتاری در چنگال بیماری و از ترس ارواح درگذشتگان، اظهار مروّت و عدل و عدالت کرده، دستور آزادی زندانیان و کاهش ظلم به مردم را صادر می‌کردند. آنها به محض کاهش خطر بیماری و از بین رفتن ترس ناشی از گرفتاری در چنگال بیماری و مرگ، دستورات عادلانه پیشین خود را لغو می‌کردند (همان، ۱۷۷-۱۷۸).

- در دولت مالیکی برجی سلاطین و رجال دولتی در زمان ارزانی مواد غذایی و آذوقه مورد نیاز مردم را انبار می‌کردند تا هنگام بروز بحران‌های اجتماعی و شیوع بیماری‌های همه‌گیر برای سود بیشتر، آن مواد را با قیمت بسیار بالاتر به مردم بفروشند (همان، ۱۷۵). این عادت و رویه از زشت‌ترین و مذموم‌ترین اقدامات سلاطین و حاکمان برجی بوده‌است.

- هیچ بیمارستانی در عصر برجی‌ها ساخته نشد. مالیکی برجی حتی در رسیدگی و توجه به وضعیت و معاش پزشکان هم بسیار بد عمل کردند و در زمان شیوع بیماری‌های همه‌گیر برای سلب مسئولیت از خود، معمولاً پزشکان را به بی‌توجهی نسبت به احوال بیماران و کم‌کاری متهم می‌کردند، در مواردی آنان را خلع و اخراج می‌کردند (ابن تغری بردی، ۱۱۷، ۲۷۴/۱۶) و در مواردی هم آنان را به شکل فجیعی به

قتل می‌رساندند. برای نمونه سلطان برسبای (حک. ۸۲۵-۸۴۱) دو پزشک دربار خود را برای اینکه نتوانسته بودند بیماری او را درمان کنند، با بی‌رحمی سربريد (حتی، ۸۷۷). رفتارهای غیر علمی و رو به افول مماليک برجی را می‌توان در این فرآیند تفسیر کرد که از قرن هشتم هجری/ چهاردهم میلادی «همه جهان عرب تفوق علمی پیشین خود را از دست داده بود و خمود ذهن که از گذر قرن‌ها زاده شده بود و همچنین ضعف فضائل که از ثروت و قدرت آمده بود، در همه جا رواج یافته بود» (حتی، ۸۶۳). در واقع این ضعف عمومی در بعد علمی و فرهنگی مسلمانان، سرآغازی بر خاتمه قرون وسطی به شمار می‌آمد، چرا که در آن عصر بر اثر بلاهای طبیعی و مصنوعی در مقیاس عظیم، از قبیل مرگ سیاه و جنگ‌های فراوان، ناآرامی‌ها وسعت چشمگیری یافته بود و سپهر سیاسی و دینی جهان فتودالی در هم شکسته شده بود (سارتن، ۲۰۰۹/۳). در مجموع باید گفت که در نتیجه عملکرد ضعیف دولت مماليک برجی، اوضاع زندگی اجتماعی در مصر و شام به‌ویژه در بعد بهداشت و درمان در اواخر دوره مماليک برجی به نهایت فساد و خرابی رسیده بود (عبده قاسم، عصر سلاطین مماليک، ۱۵۶).

نتیجه

بررسی سیر تطور بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون در عصر مماليک بحری و برجی نشان می‌دهد که مماليک بحری به دلیل شرایط مناسب اقتصادی به‌سبب در دست داشتن تجارت شرق و غرب و همچنین موفقیت‌های پی در پی سیاسی- نظامی، در مقایسه با مماليک برجی در بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، به‌ویژه در مبارزه و مهار بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون، عملگراتر و موفق‌تر بودند و با تلاش‌های فراوان، اقدامات مؤثر و ماندگاری را در این خصوص انجام دادند. در حالی که مماليک برجی به دلیل ورشکستگی اقتصادی و بحران‌های پی در پی مالی و شکست‌های مکرر در عرصه‌های سیاسی نظامی، در مواجهه با بحران‌های اجتماعی، بهداشتی و درمانی و به‌ویژه مبارزه با بیماری‌های همه‌گیر بسیار ضعیف عمل کردند و حتی در مواردی، خودشان مسبب بحران بودند. از ویژگی‌های مماليک بحری در مواجهه با بیماری‌های

همه‌گیر وبا و طاعون می‌توان به ساخت و تجهیز بیمارستان‌ها، توجه به حال پزشکان و تکریم آنان، تأسیس سیستم آبرسانی و نظارت بر آب شرب مردم، نظارت بر مواد غذایی و تهیه و توزیع مواد غذایی و دارو در مواقع بحران‌های اجتماعی خصوصاً در زمان شیوع بیماری‌های همه‌گیر، رسیدگی به حال بیماران چه بیماران بستری در بیمارستان‌ها و چه بیماران سرپایی، اشاره کرد. در مجموع اقدامات ممالیک بحری در مهار بیماری‌های همه‌گیر مؤثر بود. البته در عصر بحری‌ها هم تلفات ناشی از همه‌گیری‌های طاعون و وبا فراوان و گسترده بوده‌است. سیاست ممالیک برجی در مواجهه با بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون، این بود که بر خلاف اسلافشان بیمارستان جدیدی نساختند. به نظر می‌رسد که ممالیک برجی غیر از ضعف بنیه اقتصادی ناشی از بحران‌های مالی و شکست‌های سیاسی- نظامی و درگیری‌های داخلی امرای مملوکی، باتوجه به وجود بیمارستان‌هایی که از دوره بحری‌ها در قلمرو آنان به‌جای مانده بود احساس نیاز به بیمارستان‌های جدید نمی‌کردند. برجی‌ها در برخورد با پزشکان رفتارهای زشت و غیر حرفه‌ای با آنان داشتند و در موارد زیادی آنان را برکنار می‌کردند و در مواردی هم آنان را با بدترین شکل به قتل می‌رساندند. در ایام قحطی و شیوع بیماری و سایر بحران‌های اجتماعی، مواد غذایی و ارزاق عمومی احتکار شده را با قیمت‌های گزاف در بازارها عرضه می‌کردند. ممالیک برجی نظارتی بر مواد غذایی، دارویی و آب آشامیدنی مردم نداشتند و این قبیل کارها را جزو وظایف خود نمی‌دانستند. برجی‌ها عموماً بیماری‌های همه‌گیر و واگیردار را با نگاه دینی تفسیر می‌کردند و برای پیشگیری و مهار آنها رفتارهای موقتی غیر مرتبط با بیماری مثل برخورد با مظاهر فساد و فحشا و سخت‌گیری بر اقلیت‌های دینی را در دستور کار خود قرار می‌دادند و در بعد عمومی نیز صرفاً به برگزاری مراسم‌های دینی بسنده می‌کردند. در مجموع این گونه رفتارهای غیر علمی نه تنها کمکی به کاهش دردها و مهار بیماری‌های همه‌گیر و واگیردار نمی‌کرد، بلکه رعایای ممالیک را مفلوک و دولت‌شان را تضعیف کرد.

منابع

- ابن ایاس، محمد بن احمد، بدائع الزهور فی وقائع الدهور، تحقیق محمد مصطفی، قاهره، الهیئه المصری العامه للكتاب، ۱۹۸۴م.
- ابن تغری بردی، أبو محاسن جمال الدین یوسف، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، تحقیق فہیم محمد شلتوت و عبدالقادر حاتم، قاهره، الهیئه المصری العامه للكتاب، ۱۹۷۰م.
- ابن جبیر، محمد بن احمد، سفرنامه ابن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، أنباء الغمر بأبناء العمر، تحقیق حسن حبشی، مصر، ناشر المجلس الاعلی للثئون الاسلامیہ-لجنه احیاء التراث الاسلامی، ۱۹۶۹م.
- _____، الدرر الکامنه فی أعیان المائه الثامنه، تحقیق محمد عبدالمعید ضان، حیدرآباد-هندوستان، ناشر مجلس دائره المعارف العثمانیہ، ۱۹۷۲م.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
- ابن صیرفی، علی بن داود، نزہه النفوس والأبدان فی تواریخ الزمان، تحقیق حسن حبشی، مصر- قاهره، ناشر وزاره الثقافه: مرکز تحقیق التراث، ۱۹۷۰م.
- ابن الوردی، زین الدین عمر بن المظفر، تاریخ ابن الوردی، لبنان-بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۹۹۶م.
- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، المختصر فی أخبار البشر، مصر، بالمطبعه الحسینیہ المصر، طبعه الاولی، بی تا.
- بلر، شیلا و جانانان بلوم، هنر و معماری اسلامی (۲)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات سمت با همکاری فرهنگستان هنر ج.ا.ا، ۱۳۸۱ش.
- پرغو، محمدعلی، جواد علی پور سیلاب، «طاعون در ایران عصر صفوی»، فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال هفتم، شماره اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بهار و تابستان ۱۳۹۶.

- الجمیل، امین، «امراض مصر و سوريا»، مجله المقتطف، المجلد الثاني والخمسون، جزء ۲، ربيع الثاني ۱۳۳۶.
- حتی، فیلیپ خلیل، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات آگاه، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش.
- حسینی عثمانی، محمد بن عبدالرحمان، تاریخ صفد، تحقیق سهیل زکار، دمشق-سوریه، ناشر التکوین، ۲۰۰۹ م.
- دشتی، رضا، «تأثیر بیماری های همه گیر وبا و طاعون بر افول فرهنگی، ساختارهای تمدنی و اضمحلال ممالیک»، نشریه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۴۲، قم، دانشگاه معارف اسلامی، بهار ۱۴۰۰.
- _____، «بررسی ساختار و تشکیلات بیمارستان ها در تمدن اسلامی»، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ۱۳، تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۹۹.
- زیاده، نیکلاه، دمشق در عصر ممالیک، ترجمه امیر جلال الدین اعلم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
- زکی، عبدالرحمن، «أطباء العصر المملوکی»، مجله منبرالاسلام، العدد ۴، السنه السابع والعشرون، ربيع الاخر ۱۳۸۹ ق.
- سارتن، جورج، مقدمه ای بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، تاریخ الخلفاء، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۲۰۱۰ م.
- _____، حسن المحاضره فی تاریخ مصر والقاهره، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالحیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۷ م.
- شبارو، عصام محمد، دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام، ترجمه شهلا بختیاری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.

- عاشور، سعید عبدالفتاح، المجتمع المصرى فى عصر سلاطين المماليك، قاهره، دارالنهضة العربيه، ۱۹۹۲م.
- عبادى مهدى، على بيات و حسن حضرتى، «مدرسيان و رويارويى عثمانى - مملوكى (روزگار بايزيد دوم و سليم اول)»، پژوهشنامه تاريخ تمدن اسلامى، سال چهل و هشتم، شماره يكم، تهران، بهار و تابستان ۱۳۹۴ش.
- عبده قاسم، قاسم، النيل و المجتمع المصرى فى عصر سلاطين المماليك، قاهره، دار المعارف، الطبعة الاولى، ۱۹۷۸م.
- _____، عصر سلاطين المماليك، مصر، دارالشروق، الطبعة الاولى، ۱۹۹۴م.
- عماد، عنان، «الفناء الكبير حين هزم العثمانيون فى المصر قبل ۲۰۰ عام»، مجله المورد، المجلد ۴۲، العدد ۳۰، سبتمبر ۲۰۱۷.
- عيسى بك، احمد، تاريخ البيمارستانات فى الاسلام، بيروت-لبنان، الطبعة الثانية، ۱۹۸۱م.
- عينى، بدرالدين محمود، عقد الجمان فى تاريخ اهل الزمان، مقدمه و حواشى محمد محمد أمين، قاهره، دارالكتب والوثائق القومية، ۲۰۱۰م.
- مقريزى، تقى الدين ابوالعباس احمد بن على، السلوك لمعرفه دول الملوک، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلميه، الطبعة الاولى، ۱۹۹۷م.
- _____، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، وضع حواشيه خليل منصور، بيروت، منشورات محمد على بيضون، دارالكتب العلميه، ۱۹۹۸م.
- ميرصالحيان، اكبر، مصيب دلوند، «تاريخچه بيمارى هاى عفونى باكتريايى شايع در ايران»، مجله ميكروب شناسى پزشكى ايران، سال ۱۲، شماره ۴، تهران، انجمن ميكروب شناسى ايران، مهر-آبان ۱۳۹۷.
- فرهنگ واژه‌هاى مصوب فرهنگستان، دفتر اول، تدوين گروه واژه گزینى، ویراستار جواد میرشكارى، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسى، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

– ناصری طاهری، عبدالله، تاریخ جنگهای صلیبی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.

– _____، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا از آغاز تا ظهور عثمانی‌ها، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.

- FRANK M. SNOWDEN, *Epidemics and Society: From the Black Death to the Present*, New Haven: Published by Yale University Press, 2019.
- «Q&A; with John Kelly on the Great Mortality on National Review Online», web.archive.org. 16-02-2012.
- Rogers JM, "Innovation and Continuity in Islamic Urbanism", The Arab City, its Character and Islamic Cultural Heritage, a symposium held in Medina, ed. Ismail Serageldin and Samir El-Sadek. 1982. pp. 53-61.
- Nukhet Varlik, *Plague and Contagion in the Islamic Mediterranean*, Yorkshire: Publisher Arc Humanities Press; New edition, 2017.